



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



بہائیت و سیاست

تناقض شعار و عمل

سید مصطفی تقوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بہائیت و سیاست؛ تناقض شعار و عمل

نویسنده:

سید مصطفی تقوی

ناشر چاپی:

روزنامه کیهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانہ ای قائمہ اصفہان

فهرست

۵	فهرست
۶	بهائیت و سیاست؛ تناقض شعار و عمل
۶	مشخصات کتاب
۶	بهائیت و سیاست؛ تناقض شعار و عمل
۱۰	بهائیت از دیدگاه امام خمینی
۱۰	پاورقی
۱۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بهائیت و سیاست؛ تناقض شعار و عمل

مشخصات کتاب

شماره بازیابی : ۳۸۳۹۴-۸۵

سرشناسه : تقوی مقدم، مصطفی

عنوان و نام پدیدآور : بهایت و سیاست / مصطفی تقوی

منشأ مقاله : کیهان ، ۴ بهمن ۱۳۸۵ : ص ۱۲

توصیفگر : عبدالبهاء، عباس بن حسینعلی

توصیفگر : بهایت

توصیفگر : سیاست

توصیفگر : ایران

منابع مقاله : موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

بهائیت و سیاست؛ تناقض شعار و عمل

رهبران بهایت همواره بر جدایی دین از سیاست تأکید داشته و به دنبال آن، بر عدم پیوند بهایت و بهائیان با جهان سیاست اصرار می‌ورزند. عباس افندی بر آن بود که «بین قوای دینی و سیاسی تفکیک لازم است» و هم او گفته است که «بهائیان به امور سیاسی تعلقی ندارند» و مهمتر از آن، از منظر وی: «میزان بهائی بودن و نبودن این است که هر کس در امور سیاسی مداخله کند و خارج از وظیفه خویش حرفی زند یا حرکتی نماید، همین برهان کافی است که بهائی نیست، دلیل دیگر نمی‌خواهد... نفسی از بهائیان اگر بخواهد در امور سیاسی در منزل خویش یا محفل دیگران مذاکره بکند، اول بهتر است که نسبت خود را از این امر [بهایت] قطع نماید و جمیع بدانند که تعلق به این امر ندارد. خود می‌داند، و الا عاقبت سبب مضرت عمومی گردد». بر همین مبنا، به پیروان خود حکم می‌کند و همچنین به آنان اطمینان می‌دهد که: «به نصوص قاطعه الهیه، در امور سیاسی ابدأً مدخلی نداریم و رایی نزنیم». [۱]

. شوقی که پس از عباس افندی رهبری بهائیان را به دست گرفت نیز در این زمینه سخنان فراوانی دارد. برای نمونه، می‌گوید: «معاذالله از مداخله در امور سیاسی، احباء باید به کلی از این شئون در کنار باشند و از هر وظیفه‌ای که منجر به مداخله در امر سیاست شود، بیزار گردند». [۲]. صادر کنندگان احکام و فتاوی‌ی یاد شده، علمای ایران را به علت مداخله آنان در سیاست، محکوم کرده و ادعا می‌کنند که حضور علمای شیعه در صحنه سیاست در چند قرن اخیر، باعث زیانهای فراوانی به جامعه و کشور گردید. [۳] وقتی رهبران کیشی اصولاً دین را از سیاست جدا شمرده و ادعا کنند خود به این مرام پای‌بندند و اکیداً نیز از پیروان خود بخواهند که چنین باشند، و حتی شرط و نشانه بهائی بودن را عدم پیوند با سیاست بدانند، طبیعی و منطقی است که مداخله علمای اسلام و شیعه در امور سیاست را محکوم بکنند. اما واقعیات عینی تاریخ از عملکرد بهائیان و رهبران آنها، حکایت دیگری دارد و ماهیت دیگری از آنان ترسیم می‌کند. به گواه تاریخ، رهبران بهائی، حکم جدایی دین از سیاست و عدم مداخله علمای روحانی در امور سیاسی را تنها برای علمای اسلام و ایران صادر کرده‌اند و خود را مشمول آن حکم ندانسته و با تمام وجود در صحنه سیاست فعال بوده و هستند. این رویکرد و مواضع دوگانه، دست کم هنگامی می‌تواند اعتباری در عالم عقل و علم بیابد که تاریخ بر زیانبار بودن مداخله علمای ایران در امور سیاسی، و سودمند بودن فعالیت‌های سیاسی بهائیان برای سرنوشت جامعه و کشور گواهی بدهد. و این در حالی است که تاریخ در این باره قضاوت دیگری داشته و اوراق آن مشحون از دفاع مؤثر علما از این آب و خاک و

تمامیت ارضی ایران و دفاع از حریم دین آسمانی اسلام در مقابل هجوم نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی غرب استعمارگر از یکسو، و همسویی فعالیت‌های فرقه بایه و بهائیه - به مثابه حزبی سیاسی - با بیگانگان و دشمنان کشور از سوی دیگر است. چنانکه گذشت، رهبران بهائی برغم حکم به عدم مداخله دین و علما در سیاست، خود به طور جدی فعال صحنه سیاست بوده و اصولاً ماهیت سیاسی آنان بر ماهیت فکری‌شان غلبه دارد. در موقعیتی که اسلام و روحانیت شیعه به عنوان مستحکمترین دژ پاسداری از هویت و استقلال و تمامیت ارضی و وحدت ملی کشور در برابر سلطه استعمار و تجاوز بیگانه مطرح است، و حتی استعمارگران هم بدین واقعیت اذعان داشته و اسلام و علمای آن را مهمترین مانع برای خود شمرده و همه توانشان را برای شکستن آن به کار می‌گیرند، نفس تأسیس یک فرقه و ایجاد یک انشعاب، اقدامی در جهت شکستن این وحدت و اقتدار بوده و آشکارا ماهیتی سیاسی خواهد داشت. روشن است فرقه‌ای که ظهور و بروز آن جنبه سیاسی بیابد، هنگامی که موضع و سخن کانونهای قدرت و سیاست جهانی، مبنی بر سکولاریسم و جدایی دین از سیاست، را تکرار کند، آشکارا عملی سیاسی را انجام داده است. حال باید دید آیا بهائیت و سران آن از ابتدا بر عدم مداخله اتباع خود در سیاست تأکید داشتند و به عبارتی این موضوع جزء اصول اولیه‌شان محسوب می‌شود، یا آن که این رویه را به عنوان تاکتیکی حساب شده جهت مقابله با شرایط و اوضاع اجتماعی اتخاذ کردند تا بتوانند با آرامش به پیشبرد اهداف خود نائل شوند؟ آنچه مسلم است بروز و ظهور مشکوک این فرقه در تاریخ ایران با تنشهای تند سیاسی همراه بود. ظهور فرقه‌ای با ادعاهای بایه و سپس بهائیه که دم از ظهور منجی و موعود منتظر شیعیان و بشریت می‌زد و سپس ادعای نبوت و الوهیت و نسخ اسلام را مطرح کرد خودبخود یک حرکت براندازانه فرهنگی - سیاسی تلقی می‌شود که قلب و اساس یک جامعه را مورد هدف قرار داده است. حمایت استعمارگران و دشمنان تمامیت ارضی و استقلال ایران از این جریانات، در شرایطی که جامعه ایرانی جنگها و درگیریهای سخت نظامی را با استعمار تجربه کرده بود، سیاسی بودن این تحریک مودیانه را بیش از پیش آشکار می‌ساخت. از همین رو بود که صدراعظم متدین، اصلاح‌طلب و ایران‌دوست عصر قاجار، امیرکبیر، چاره کار را در قلع و قمع این فرقه مسلح و برانداز دید. جنگ داخلی‌ای که اتباع باب علیه دولت مرکزی به راه انداخته بودند در آن شرایط خطیر می‌توانست استقلال ایران را به باد دهد. بایه و بهائیه که امیرکبیر، ناصرالدین‌شاه و علما را مانع تحقق اهداف خود می‌دیدند دست به اقدامات خشونت‌آمیز و تروریستی نیز زدند و پروژه شورش مسلحانه خود را تکمیل کردند. تلاش برای ترور امیرکبیر، و نیز ترور ناکام ناصرالدین شاه که یکی از متهمین اصلی آن حسینعلی بهاء بود و نیز ترور آیت الله شهید ثالث در قزوین و دهها جنایت دیگر، حکایت از عزم شورشیان بر براندازی سیاسی - فرهنگی در ایران دارد. نتیجه این امر، دستگیری بهاء و تعدادی از اتباع او و نهایتاً تبعید آنها به بغداد شد که البته دخالت سفیر روسیه در آزادی حسینعلی نوری و رهانیدن او از مجازات را نباید از نظر دور داشت. بهاء و برادرش صبح ازل توانستند بعد از حذف دیگر مدعیان رهبری بایه، نظیر فردی به نام عظیم، رهبری این جریان را به دست بگیرند و به مدت ده سال در بغداد همان روند سیاسی تند را علیه قاجاریه و علما دنبال کنند، که البته موفقیتی برایشان در برنداشت. وقوع اتفاقات مهم در ایران عصر ناصری در این دوره ده ساله نظیر جنگ هرات و تجزیه آن از ایران، تأسیس فراموشخانه ملکم و تعطیل آن به همت آیت‌الله حاج ملا-علی کنی، عزیمت ملکم به بغداد و اوج گرفتن تحریکات ضداسلامی آخوندزاده، روی کار آمدن میرزا حسین‌خان سپهسالار و طرح مسائل جدید در ایران که بعضی از آن موارد می‌توانست به ترویج بهائیت، البته نه در یک فضای متشنج بلکه فضایی آرام، کمک کند، در کنار ناکام ماندن حرکتهای تند و مسلحانه بایان منجر به تغییر رویه بهائیان از براندازی علنی به براندازی نرم شد و تحت پوشش اعلام اطاعت بهائیان از هر رژیم و حکومتی صورت گرفت. حسینعلی بهاء در این باره می‌گوید: «این حزب (بهائیت) در مملکت هر دولتی ساکن شوند باید به امانت و صدق و صفا با آن دولت رفتار نمایند».

[۴] عباس افندی هم می‌گوید: «بر احبای الهی اطاعت اوامر و احکام اعلی حضرت پادشاهی است آنچه امر فرماید اطاعت کنند. و همچنین کمال تمکین و انقیاد [را] به جمیع اولیای امور داشته باشند». [۵]. بهائیان به این نتیجه رسیده بودند که به جای درگیری با

دولتها و مردم، با اعلام عدم مداخله در سیاست، حاشیه امنیتی برای ترویج تفکر خود و براندازی نرم ایجاد کنند. آنها در این مسیر، ضمن تمجید از پادشاهان و عادل خواندن آنان، به روحانیت شیعه حمله و آنها را به جرم! جدا نشمردن دین از سیاست و مداخله در سیاست، متهم به مخالفت با سلطنت کرده و می‌کنند. هوشمند فح اعظم در توجیه این ادعا می‌نویسد: «وقتی دیانتی ظاهر می‌شود جمیع مردم صغیر و کبیر با آن مخالفت می‌کنند و بر هدم بنیانش متحد و متفق می‌گردند زیرا دیانت به هنگام ظهورش مخالف جمیع انتظارات ملل است. [۶] ما نیز خود سیاستی داریم... به اسبابی معنوی به تعدیل عالم اخلاق پردازیم نه آن که تمسک به وسایل مادیه سیاسیه جوییم، به قوایی ملکوتی تدریجاً قلوب را تقلیب و مسخر نماییم». [۷]. در همین زمینه رهبران بهائی به اتباع خود توصیه می‌نمایند: «امور اداریه را به دل و جان قبول نمایند بلکه سعی موفور در تحصیل آن مبذول دارند... ادامه حاضرات امریه ادبیه بی‌نهایت این ایام لازم و مفید و حشر و آمیزش با رجال دولت و ملت از لوازم ضروریه محسوب ولی زنهار این مخالطه و معاشرت سبب گردد که متدرجاً اجله احباب و اصحاب، مجذوب و مفتون محیط پرشور و آشوب احزاب و سیاسیون گردند و از حزب... منفصل و منسلخ شوند» [۸]. حزب بهائی ظاهراً اعضای خود را از مداخله در امور آشکار سیاسی بازمی‌دارد و در عین حال آنها را به نفوذ در امور اداری، تجاری، صنعتی، زراعی و معارف و علوم تشویق می‌کند. [۹] ظهور افرادی نظیر هژبر یزدانی، حبیب ثابت، عبدالکریم ایادی، عین‌الملک هویدا، دکتر ذبیح‌الله قربان، ظاهراً در همین راستا قابل تعریف است، هر چند برخی از آنان در عالی‌ترین مقامات سیاسی دولتی نیز حضور داشتند. دستیابی به چنین موقعیتی فقط در سایه سیاست انقیاد از حکومت و البته حمایت بیگانگان حاصل می‌شد. این که عباس افندی تأکید می‌کند: «ای احبای الهی، باید سریر سلطنت هر تاجداری را خاضع گردید و سیده ملوکانه هر شهریار کامل را خاشع شوید.» و یا «بر احبای الهی اطاعت اوامر و احکام اعلیحضرت پادشاهی است آنچه امر فرماید اطاعت کنند و همچنین کمال تمکین و انقیاد را به جمیع اولیای امور داشته باشند». [۱۰]، تاکتیکی است جهت خروج از بحران و بن‌بست سیاسی و گشودن فضاهاى حیاتی جهت تنفس حزب سیاسی بهائی و پیشبرد اهداف حزب در قالبی جدید. البته باید در نظر داشت که اعلام اینگونه انقیاد در برابر هر پادشاهی، علاوه بر منافع یادشده برای حزب بهائیت، می‌تواند منجر به حاشیه رانده شدن طرف اصلی ماجرا یعنی جامعه اسلامی و علمای دین شود که بر اساس آموزه‌های الهی و آسمانی دین اسلام در مقابل ظالمین و ارباب قدرت که به مردم ستم روا می‌دارند می‌ایستند. توصیه عمومی رهبران و تشکیلات بهائی به پیروان خود این است که در امور اداری مربوط به محفل بهائیان نظیر برقراری جلسات، انجام تبلیغات، تشکیل مدارس و چاپ کتب و... باید تابع حکومت باشند، اما در عین اطاعت «همت بلیغ و سعی مستمر به رسائل مشروعه مبذول دارند تا اولیای حکومت محلی و مرکزی اقلیم خویش را به صرافت طبع و طیب خاطر تخفیف و تعدیل و تبدیل احکام مقرر خویشتن دهند... اما در امور وجدانیه از قبیل تبری و انکار و کتمان عقیده که تعلق به اصل امر و عقاید اساسیه اهل بهاء دارد بهائیان در کل اقطار شهادت را بر اطاعت مقدم شمرند. [۱۱]

محافل بهائیان همچنین توصیه می‌کند که بهائیان هر شهر و محل در صورت برخورد با مشکلات به اولیای امور مراجعه کنند و در آن شهر کمیته‌ای یا هیئتی را جهت ارتباط با اولیای امور تشکیل دهند. [۱۲]. بهائیان سیاست خود را در خصوص ارتباط با سیاستمداران و اصحاب قدرت تحت عنوان «اطاعت فعال» مطرح می‌کردند. در آستانه تشکیل حزب رستاخیز، سیاست آنها اعلام وفاداری کتبی به «اعلی حضرت همایونی» احترام به قانون اساسی و تمکین و تحسین از اصول نهضت ترقی و تعالی ایران که به نام «انقلاب ششم بهمن معروف است» بود. آنها خود را مطیع فعال معرفی می‌کردند نه بی‌طرف بی‌اعتنا. [۱۳]. تا اینجا دیدیم که شعار عدم مداخله در سیاست پوششی برای انجام امور سیاسی از سوی حزب بهائیت است نه رکنی از ارکان اساسی آن، و در عمل نیز موارد نقض فراوانی برای رد این ادعای آنان وجود دارد. مداخله این حزب در امور سیاسی نظیر کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و شرکت اعضای مهم آن در سطوح عالی حکومت پهلوی حکایت از بطلان این ادعا دارد. اما این حکم ظاهراً ابعاد و معانی دیگری هم دارد. گاهی اوقات مراد آنان از این موضوع، عدم دخالت در براندازی حکومتهاست. این شعار در زمانی مطرح می‌شود که توان

انجام براندازی وجود ندارد. اما در صورت پیدا شدن زمینه و امکان وقوع، از همکاری و همراهی با جریانهای برانداز نیز کوتاهی نمی‌کنند. نظیر آنچه در عثمانی و ایران رخ داد و منجر به انقراض خلافت عثمانی و سلطنت قاجاریه شد که در هر دو مورد چهره‌های بهائی حضور دارند. گاهی اوقات منظور وارد نشدن در دعوای سیاسی است که البته توجیهشان این است که بهائیت مسلکی جهانی و کلی است و اگر وارد در تنازعات سیاسی - حزبی شود، شمولیت خود را از دست می‌دهد. و گاهی نیز منظورشان جلوگیری از جذب افراد بهائی در گروهها و احزابی است که منجر به جدایی آنها از حزب بهائی خواهد شد. در اینجا بهائیت در قالب یک حزب قد علم می‌کند و اعضای خود را از عضویت در احزاب دیگر منع می‌کند. بهائیان می‌ترسند که «اگر فردی بهائی عضو حزبی سیاسی شود مرام و مقصد کدامیک را ترویج و تبلیغ خواهد کرد»، و در صورت تعارض و تناقض بین حکم [بهائیت] با اصلی از اصول حزب سیاسی، چه روشی اتخاذ خواهد نمود؟ [۱۴] البته این برای بهائیت که خود یک حزب سیاسی است بسیار خطرناک است. بنابراین به اتباع خود می‌گویند: «اگر بهائیت را انتخاب کرده یا می‌کنم باید به حکم عقل دست از عقاید دیگر بشویم و اگر به عقاید دیگر تمایلی دارم باید چشم از بهائیت بپوشم. بهاء گفته است ای پسر ارض اگر مرا خواهی جز مرا نخواه... زیرا اراده من و غیر من چون آب و آتش در یک دل و قلب ننگند». [۱۵]. به همین دلیل وقتی فردی بهائی به کشور دیگری سفر می‌کند، به ویژه جوانان و دانشجویان، موظفند خود را به تشکیلات بهائی در آن کشور معرفی کنند تا در «ظل صیانت محافل مقدسه روحانیه» در آیند و از جذب شدن در احزاب دیگر خودداری نمایند. بنابراین، شعار عدم مداخله در سیاست دستوری حزبی برای حفظ و صیانت حزب بهائیت از برخورد حکومتها و جلوگیری از جذب شدن بهائیان در سایر جریانات است، و گرنه ذات دعاوی و اقدامات بهائیان و پیوستگی سران آن با قدرتهای جهانی، جز عملی سیاسی نبوده و آنان عدم پایبندی خود به این شعار را مکرر نشان داده‌اند. پیدایش انشعابهای درون فرقه‌ای و نبرد برای کسب رهبری فرقه، نوعی دیگر از فعالیت سیاسی است. پس از اعدام علی محمد باب، پیروانش برای کسب جانشینی او با یکدیگر به ستیزه برخاستند، این ستیزه باعث شد بایان به دو شاخه ازلی به رهبری یحیی صبح ازل، و بهائی به رهبری حسینعلی بهاء، که هر دو برادر بودند، تقسیم شوند. موج ترور و خونریزی میان طرفداران این دو گروه، رفتار سلاطین و خوانین و دیگر قدرت‌طلبان را تداعی می‌کند. حسینعلی که لقب بهاءالله را به خود اختصاص داده بود، در ۱۳۰۹ق درگذشت. او از فرزندان خود با عنوان اغصان تعبیر کرده و عباس را به عنوان غصن اعظم و محمدعلی را به عنوان غصن اکبر معرفی کرد. بنا بر وصیت او می‌بایست ابتدا عباس جانشینش می‌شد و پس از او، محمدعلی به این مقام می‌رسید (قد اصطیفینا الاکبر بعد الاعظم). اما دو برادر به این امر الهی! پایبند نمانده جنگ بین آنان بر سر جانشینی پدر شدت گرفت. هنگامه برپا شد و کار به فحش و ناسزا و نسبتهای غیراخلاقی به یکدیگر کشید. بدین گونه بهائیان نیز به دو شاخه ثابت (پیروان عباس افندی) و موحد (پیروان میرزا محمدعلی) تقسیم شدند و هر کدام دیگری را ناقض و مشرک خوانده در ثبات موقعیت خویش کوشید. [۱۶] در قاموس سیاست، اینها همه ماهیت سیاسی داشته و نوعی سیاست‌ورزی تلقی می‌شوند. افزون بر این، حضور بهائیان در تحولات سیاسی ایران معاصر از مصادیق بارز فعالیت سیاسی است. نقش ویرانگر آنان در واگرایها و بحرانهای مشروطیت، حضور آنان در فعالیتهای تروریستی کمیته مجازات، نقش آنان در متلاشی ساختن نهضت جنگل، حضور آنان در بالاترین و حساس‌ترین موقعیتهای و مناصب سیاسی حکومت پهلوی اول و دوم و بنابراین، نقش آنان در تعمیق وابستگی کشور به بیگانگان و تحکیم سلطه استعمار و امپریالیسم بر مملکت، در این مقال نمی‌گنجد. (ایام: موضوعات فوق در مقالات گوناگون ویژه‌نامه حاضر بررسی شده‌اند). اما صرف نظر از جهت‌گیری و ماهیت این فعالیتها و این که آیا در راستای منافع ملی بودند یا منافع بیگانگان، تنها به طرح این پرسش بسنده می‌شود که پارادوکس میان آن فتاوی محکم مبنی بر عدم مداخله در سیاست و این حضور غیرقابل انکار در امور سیاسی را چگونه می‌توان توجیه کرد؟! آیا باید واقعیات عینی تاریخ را انکار کرد یا اصالت و صداقت فتاوا و مفتیان یاد شده را؟ بدین ترتیب، راز حمایت بی‌دریغ قدرتهای استعماری از بهائیان روشن می‌گردد. روشن

است که در دنیای سیاست و جهان مبتنی بر اصالت سود، قدرتهای خارجی از هیچ فرد، گروه یا جریانی حمایت نمی‌کنند مگر آن که آن را در پیوند با خود و در راستای منافع خویش بدانند. به راستی صرف نظر از نقض حقوق بشر در سطح کلان و گسترده به وسیله قدرتهای مسلط جهان، در دیگر نقاط جهان و از جمله در ایران عصر پهلوی که جوانان تحصیل کرده و علما و اندیشمندان به جرم مبارزه برای حفظ هویت ملی و کسب استقلال، به مسلخ فرستاده می‌شدند. و از قضا بهائیان نیز در اجرای آن فجایع نقش داشتند، چگونه است که ملت ایران چندان حمایتی از سوی قدرتهای جهانی مدعی حقوق بشر نمی‌دیدند؟ و اکنون چگونه است که همان قدرتها از هیچ کوششی نه برای رهایی بهائیان از زندان، که برای رشد و ارتقای آنها دریغ نمی‌ورزند؟ پاسخ با توجه به ماهیت نظام سلطه، و پیشینه این فرقه، ناگفته پیدا است.

بهائیت از دیدگاه امام خمینی

اسلام و مذهب مقدس جعفری سدی است در مقابل اجانب و عمال دست نشانده آنها، چه راستی و چه چپی، و روحانیت که حافظ آن است سدی است که با وجود آن، اجانب نمی‌توانند به نحوی که دلخواه آنها است، با کشورهای اسلامی و خصوصاً با کشور ایران رفتار کنند، لهذا قرن‌ها است که با نیرنگهای مختلف برای شکستن این سد نقشه می‌کشند: گاهی از راه مسلط کردن عمال خبیث خود بر کشورهای اسلامی، و گاهی از راه ایجاد مذاهب باطله و ترویج بابت و بهاویت و وهابیت، و گاهی از طریق احزاب انحرافی امروز که مکتب بی‌اساس مارکس با شکست مواجه است و بی‌پایگی آن برملا شده است. عمال اجانت که خود بر ضد مکتب آن هستند، در ایران از آن ترویج می‌کنند برای شکست وحدت اسلامی و کوبیدن قرآن کریم و روحانیت در ایران که مهد تربیت اهل بیت عصمت و طهارت است و با زنده بودن این مکتب بزرگ، هرگز اجانب غارتگر به آرزوی غیرانسانی خود نمی‌رسند، ناگزیر هستند مذهب مقدس تشیع و روحانیت را به هر وسیله تضعیف کنند و بکوبند. (صحیفه نور، ج ۱، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۶۱، ص ۲۲۹).

پاورقی

- [۱] سید محمدباقر نجفی. بهائیان. تهران، طهوری، ۱۳۵۷. صص ۷۵۵ به بعد.
- [۲] همان، ص ۷۵۸.
- [۳] عباس افندی (عبدالبهاء)، رساله سیاسی، صص ۲۱-۲۵.
- [۴] مجله اخبار امری، ایران، شماره ۷-۸ (مهر و آبان)، ۱۳۴۴.
- [۵] دکتر اسلمنت، بهاء‌الله و عصر جدید، چاپ حیفا، ۱۹۳۲، ص ۳۰۲.
- [۶] آهنگ بدیع، سال دوم، ص ۴.
- [۷] همان منبع.
- [۸] شوقی افندی، اخبار امری ایران، شماره ۹، دی ماه ۱۳۲۴.
- [۹] اخبار امری، سال ۳۹، مهر و آبان، شماره ۷-۸، صص ۵۰۲ و ۵۰۳.]
- [۱۰] عباس افندی، رساله سیاسی، ص ۳۵؛ دکتر اسلمنت، بهاء‌الله و عصر جدید، ص ۳۰۲.
- [۱۱] بخشنامه محفل بهائیان، مجله اخبار امری، سال ۵۷، ش ۱۹، ۱۱ تا ۲۹ اسفند ۱۳۵۷، صص ۹ و ۱۰.
- [۱۲] ابلاغات محفل روحانی ملی بهائیان ایران، اخبار امری، سال ۱۳۵۳، ش ۸، ص ۲۱۸.
- [۱۳] اخبار امری، سال ۱۳۵۳، ش ۱۹، صص ۵۳۶-۵۳۷.

[۱۴] دکتر محمود مجذوب. «چرا از مداخله در سیاست ممنوعیم»، آهنگ بدیع، سال ۲۰ (۱۳۴۴)، ش ۸، صص ۳۰۵-۳۰۷ و ۳۲۳.

[۱۵] مظفر یوسفیان، «چرا در سیاست دخالت نمی‌کنیم»، آهنگ بدیع، سال نهم، ش ۲، صص ۷-۳، ۲۳-۲۷.

[۱۶] عبدالکریم موسوی. نقطه اولی! جمال ابهی! مرکز میثاق! تهران، جهان، ۱۳۴۸. صص ۱۳۷-۱۴۶ و ۱۵۲-۱۵۵.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بپدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد چه او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

ر را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کنند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

